



سلطان اسحاق و آئین یارسان

(اهل حق)

پژوهشگاه علوم انسانی
پرتال جامع علوم انسانی

از

صدیق صفی زاده



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

درهم آمیخته است^۲ و بنا به مدارک موجود این آئین در قرن دوم هجری بوسیلهٔ بهلول در میان قسمتی از مردم کرمانشاهان و خانقین شایع شده است^۳ و در قرن هفتم و هشتم هجری مناطق کردنشین بین ایران و عراق عرب حالیه شاهد صحنهٔ دیگری در تاریخ این آئین است. سلطان اسحاق که اورامقنن و مجدد آئین یارسان توان دانست، مناطق اورامان و جوانرود و گوران و کوههای دالاهو را که برای پیشرفت تبلیغ مرام خود مناسب تر می دید برگزید و با گروهی از یاران کرد زادگاه خود برزنجه و دیمهای شهرزور را پشت سر نهاد و در محلی از اورامان بنام پردیور Pardiwar (در حوالی دیه شیخان، در شمال رودخانهٔ سیروان) رحل اقامت افکند. سلطان اسحاق نه تنها گروندگان زیادی در میان ایلات و مردم دیه‌ها یافت و اسرار یارسان را به عامهٔ مردم بیشتری پیاموخت، بلکه ایجاد هم‌آهنگی و مکتب واحدی در میان تمام مجامع یارسان که تا آن زمان پراکنده و از هم بی‌خبر بودند توفیق یافت.^۴

اطلاعی که از سرگذشت اکثر بزرگان یارسان به ما رسیده بسیار اندک و آمیخته به افسانه است و بیش از آنکه دارای ارزش تاریخی باشد، جذبهٔ داستانی دارد. اما در لابلای این اطلاعات می‌توان به حقیقت زندگی آنان پی برد. دانسته‌های محدود مادربارهٔ سلطان اسحاق هم، از همان محدوده تجاوز نمی‌کند. نامش سلطان اسحاق و از مردم برزنجه Barzanja کردستان عراق است.^۵ پدرش شیخ

۲- متن سخنرانی پروفیسور رشید شهردان در شمارهٔ ۵ سال نوزدهم مهنامهٔ هوخ تهرآن ۱۳۴۷ ص ۵

۳- بزرگان یارسان گردآوردهٔ نگارنده تهرآن ۱۳۵۲ ص ۶

۴- مقدمهٔ شاهنامهٔ حقیقت ص چهارم

۵- برهان الحق تألیف نورعلی الهی تهرآن ۱۳۴۳ ص ۳۸

عیسی فرزند باباعلی همدانی یکی از علمای سدهٔ هفتم و هشتم هجری بوده^۶ و مادرش خاتون دایراک رمز یار دختر حسین بیک جلد و مولدوی دیه برزنجه ذکر شده وی را سلطان سهاک Sahak نیز نامیده‌اند^۷ ولادت او را برخی ۴۴۵ هجری^۸ و گروهی ۵۲۸ هجری^۹ و عده‌ای ۶۵۰ هجری^{۱۰} و بعضی ۶۱۲ هجری^{۱۱} و جمعی اوائل قرن هفتم هجری^{۱۲} دانسته‌اند. او را مجدد آئین یارسان و از اولاد امام موسی کاظم (متوفی ۸۳ هجری / ۷۹۹ میلادی) و مظهرالله و آئینه‌نمای خدا می‌دانند و نوشته‌اند که امیر تیمور گورگانی (۷۷۱-۸۰۷ هجری) از فیض و دانش او بهره‌ور شده و زندگانش را در گوشه‌گیری و در حال انزوا و دور از قال و غوغا گذرانده. برخی از یارانش از مردم چین و هند و بخارا و دیگر کشورها بوده‌اند.^{۱۳} از کارهای مهم او بنای «خاندانها» و «گرفتن سه روز روزه» و مراسم «جوزشکستن» یا «سرسپردن به خاندانها» و «انعقاد جمع یارسان» و وظایف «پیرو دلیل» و جزآن می‌باشد.^{۱۴} سال وفات وی را بعضی ۵۸۸ هجری^{۱۵}

۶- بحر الانساب و رسالهٔ سادات البرز نجیه تألیف سید عبدالقادر محمد بغداد ۱۹۵۶ ص ۱۴

۷- بزرگان یارسان ص ۱۹

۸- یادداشت خطی کاردائی (مربوط به قرن نهم هجری)

۹- سرودهای دینی یارسان ترجمهٔ ماشاءاله سوری تهران ۱۳۴۴ ص ۴۵

۱۰- نسخهٔ چکیدهٔ سرانجام خطی سرهنگ آزاد علی

۱۱- شاهنامهٔ حقیقت ص ۴۲۶

۱۲- برجستان جهان نوشتهٔ آیت‌اله مردوخ تهران ۱۳۳۳ ص ۵۹

۱۳- برهان الحق صفحات ۳۸-۳۹

۱۴- شاهنامهٔ حقیقت ص چهارم

۱۵- نسخهٔ خطی یادداشت کاردائی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

از فرزندان خاندانهای مزبور باشد و وظیفه او دعای نذورات خواندن است زیرا نذر اهل حق تا وقتی دعای آن به آداب مخصوص خوانده نشود کسی اجازه خوردن آن نذر را ندارد.^{۱۶} با آنچه گفته شد خاندانهای یازدگانه بشرح زیر است:

۱- خاندان شاه ابراهیمی: این خاندان منسوب به شاه ابراهیم جزو هفتن می باشد. شاه ابراهیم فرزند سید محمد گوره سوار از هفتونه است. بنا به نامه سرانجام شاه ابراهیم در سده هشتم هجری چشم بجهان گشوده است. مادرش خاتون زینب دختر میر خسرو لرستانی است. وی بنا به دستور سلطان اسحاق برای ارشاد و راهنمایی مردم عراق به بغداد رهسپار شده، مردم آن دیار از او پیشواز کرده اند و راه و روشهای او را پذیرفته اند. این گروه که راه و روشهای یارسان را در عراق پذیرفته اند اکنون در خانقین و مندلی بسر می برند و بنام کاکائی معروفند. شاه ابراهیم در بغداد در گذشته و در آنجا مدفون است. وی را بنام ایوت و شاه ایوت و روچیار و ملک طیار نیز می خوانند. از شاه ابراهیم مجموعه اشعار بنام (دیوان ایوت) درباره راه و روشهای یارسان و افکار تناسخی بجای مانده است.^{۱۷}

۲- خاندان بابا یادگاری: این خاندان منسوب به بابا یادگار جزو هفتن می باشد. بنا به نامه سرانجام بابا یادگار از مادری بکر^{۱۸} بنام داده سارا در سده هشتم هجری متولد شده و در هنگام جوانی بنا به دستور سلطان اسحاق برای گسترش دادن آئین یارسان به هندوستان و پاکستان رهسپار شده و پیروان او در پاکستان بنام ذکری و در

۲۶- برهان الحق ص ۷۹

۲۷- بزرگان یارسان ص ۲۶

۲۸- سالهاست که بنا به نظریه دانشمندان بیولوژی یا زیست شناسی بکرزائی رد شده است. برای اطلاع بیشتر به کتاب (شکردهای طبیعت نوشته بوریس سرگیف ترجمه شهلا صدیقیان چاپ سال ۱۳۵۴ ص ۳۹۳) مراجعه شود.

ترت و مشیکی و گریشه مقیم و کوه مراد در تربت زیارتگاه آنان است و آنرا کعبه خود می‌دانند. در افغانستان نیز عده‌ای از پیروان او بنام غلاه در نواحی مزار شریف و دوشی و پل خمی ساکن‌اند. با بایادگار چون متاهل نشده تا اولادی داشته باشد از این‌رو و دوفر از یارانش بنام خیال و وصال به سمت پیروی بر مریدانش جانشین خود گردانید و سادات خاندان با بایادگار از نسل آن دوفرند. دشمنان یارسان، با بایادگار را کشتند و او را در جائی بنام سرانه Sarana در پیرامون کوه دالاهوی کرمانشاه به خاک سپردند که آن دیوار اکنون بنام با بایادگار معروف می‌باشد. با بایادگار را بنام «یار زرده بام» هم می‌خوانند و از او مجموعه اشعار بنام «زلال زلال» بجای مانده است.^{۲۹}

۳- خاندان خاموشی: این خاندان منسوب به سید اکابر ملقب به خاموش می‌باشد. سید اکابر خاموش فرزند شیخ علی بن سید ابوالوفاء است. بنا به نامه سرانجام سید اکابر خاموش در سده نهم هجری متولد شده و بعد از فوت پدرش مسند نشین خاندان سید ابوالوفاء که از هفتوانه است می‌شود و این امر باعث دل شکستگی برادرانش می‌گردد و جلاء وطن اختیار می‌کنند. زیرا او کوچکتر از آنان بوده. ضمناً خاندان خاموشی قبلاً بنام خاندان سید ابوالوفاء معروف بوده. از سید اکابر خاموش دو بیتی هائی نغز و دلنشین بجای مانده که تاکنون بطور کلی جمع آوری نشده است.^{۳۰}

۴- خاندان عالی قلندری: این خاندان منسوب به عالی قلندر می‌باشد. بنا به نامه سرانجام عالی قلندر در قرن هشتم هجری در دالاهو چشم بجهان گشوده و پس از فرا گرفتن تحصیلات مقدماتی

۲۹- برهان الحق ص ۶۳ و همچنین نک: بزرگان یارسان ص ۲۸-۲۷

۳۰- برهان الحق ص ۶۳ و همچنین بزرگان یارسان ص ۳۴



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یارانش سروده‌هایی دربارهٔ افکار تناسخی و آئین یارسان بجای مانده است.^{۲۶}

۱۰- خاندان شاه هیاسی : این خاندان منسوب به شاه ایاز یا شاه هیاس می‌باشد. برابر برهان الحق وی بسال ۱۱۲۵ هجری در خانهٔ شیخ عیسی بساکنانی دیده بجهان‌گشوده . وی در هنگام جوانی خود رامظهر الوهیت خوانده و گروه زیادی از یارسان به او گرویده‌اند و سپس خاندانی بنام خود تشکیل داده است. نامهای چند تن از یارانش بدینگونه‌اند: «عیسی، عبدالله، رکن‌الدین، علی، شاه‌مراد، شاکه، شاه نظر». از او و یارانش سروده‌هایی بنام (دورهٔ شاه‌هیاس) باقی مانده است.^{۲۷}

۱۱- باباحیدری : این خاندان منسوب به سیدحیدر فرزندسید منصور ملقب به سید براهه است. وی در سال ۱۲۱۰ هجری در دیه توت‌شامی کرمانشاه متولد و در سال ۱۲۸۰ هجری به قتل رسیده است. وی خود را مظهر الوهیت خوانده و عدهٔ بی‌شماری به او گرویده‌اند. سی‌وشش تن از یارانش سراینده بوده‌اند و هر کدام از آنان دیوانی دربارهٔ آئین یارسان و شرح و تفسیر سرانجام دارند که مهمترین آنان درویش نوروز و شاه تیمور بانیاراتی می‌باشد و مجموعهٔ این دیوانها بنام (دورهٔ حیدری) معروف است.^{۲۸}

از کارهای دیگر سلطان اسحاق گرفتن (سه روز روزه) است و بر هر فرد اهل حق اعم از ذکور و اناث، واجب است هر ساله سه روز متوالی روزه‌دار باشد. و موقع آن از دوازدهم «چلهٔ بزرگ» زمستان لغایت چهاردهم آن است و روز پانزدهم روز عیدسلطان و جشن

۳۶- برهان‌الحق ص ۶۵ و بزرگان یارسان ص ۳۶

۳۷- برهان‌الحق ص ۶۸ و بزرگان یارسان ص ۳۷

۳۸- شاهنامهٔ حقیقت ص نهم

حقیقت است، و چنانکه از کتابهای خطی و چاپی یارسان مستفاد می‌شود، گرفتن این سه روز روزه متوالی به این مناسبت می‌باشد که سلطان اسحاق وقتی می‌خواهد به علت اختلاف با برادرانش از برزنجه مهاجرت کند، برادرانش با ایل چیچک^{۳۹} او را تعقیب می‌کنند، سلطان و یارانش (بنیامین، داود، موسی) در (شندرکوه) که مرز میان ایران و عراق است غاری یافتند و درون غار شدند. سواران چیچک سه شبانه روز پیرامون غار را گرفتند. روز چهارم به فرمان خدا سخت توفانی گشت و باد سخت وزیدن گرفت که همه سواران پراکنده شدند. سلطان و یارانش نیز پس از سه روز گرسنگی از غار بیرون آمدند و روانه راه شدند و به روستای شیخان رسیدند. گروه یارسان به دستور رهبر خود، در سال سه روز بیاد روزهای غار روزه می‌گیرند.^{۴۰}

علاوه بر سه روز روزه غار گروه یارسان سه روز روزه متوالی هم به عنوان گذشت از گناهان (یاران قولطاس) می‌گیرند که موعد آن نیز از پانزدهم «چله بزرك» یعنی بعد از اتمام سه روز روزه غار لغایت هفدهم آن است. به همین جهت نیت روزه دو نوع است: «مرنوی» و «قولطاس». گرفتن سه روز روزه قولطاس هم به این مناسبت می‌باشد که هفت نفر بنام قولطاس راه حق بینی می‌پیمایند

۳۹- چیچک Cicak : نام یکی از اقوام برادران ناتنی سلطان اسحاق بوده است. زیرا برادران ناتنی وی از آن ایل بوده‌اند (نسخه خطی سرانجام) ضمناً چیچک در گویش گورانی و گویش کرمانجی شمالی به معنی گل است و هیچگونه ارتباطی با چیچک ترکی که به معنی آبله است ندارد. در این باره به (العقد الجوهري فی شرح دیوان الشیخ الجزری باهتمام احمد زفنگی چاپ سال ۱۹۵۸ قامشلی) ص ۴۱ مراجعه شود.

۴۰- برهان الحق ص ۳۱ و سرسپردگان ص ۶۶



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جمخانه) نیز باید در آستانه جمخانه سرپا بایستد و تا پایان مراسم جم
حق نشستن ندارد.^{۴۴}

آئین یارسان، نه تنها در میان طوایف کرد عراق و ترکیه رواج
یافت بلکه بین روستائیان و عشایر کوچ نشین ایالت کرمانشاهان،
بخصوص شهرهای قصر شیرین، سرپل، کرند، صحنه و مناطق زهاب،
بیوه نیج، ماهیدشت و هلیلان و تبریز و افشار آذربایجان و گروس و
شیشوان و ایلیخچی و پیرامون ماکو و اطراف میاندوآب و همدان و
تهران و دامنه کوههای البرز و پاتاوق و شهریار و خراسان هواخواهان
بی شماری پیدا کرد.^{۴۵}

در این آئین چنانکه گفتیم نشانه های گوناگونی از ادیان زرتشتی
و مانوی و مزدکی و مسیحی و کلیمی و اسلام را می توان یافت ولی
عنصر ایرانی و آریائی آن بیش از همه ظاهر و نمایان است ضمناً این
گروه به حلول یا تناسخ عقیده دارند و تناسخ هم از اصول هندوئیسم
می باشد.^{۴۶} راز موفقیت سلطان اسحاق در پی ریزی آئین یارسان در
این است که آنرا از سه رکن یاسه اصل زرتشت یعنی گفتار نیک و
کردار نیک و پندار نیک قرار داده و این سه رکن فریضه ای است که هر
یارسان ملزم به رعایت و بکار بستن آن است^{۴۷}، چنانکه قاصدی که از
سرایندگان سده سیزدهم هجری یارسان است در این باره می گوید:
«کردار و پندار، گفتار یاری مبوخاص مبوورداباری»^{۴۸} یعنی: هر
یارسانی باید کردار و پندار و گفتارش نیک باشد و بردباری را

۴۴- برهان الحق ص ۷۶ و سرسپردگان ص ۴۷

۴۵- شاهنامه حقیقت ص چهارم

۴۶- فرهنگ ایران باستان تألیف پورداود تهران ۲۵۳۵ ص ۲۳۱

۴۷- مقاله منشأ اجتماعی معتقدات کردان اهل حق در شماره ۵ سال هفتم

مجله بررسی های تاریخی نوشته دکتر حشمت اله طیبی

۴۸- دیوان خطی قاصد

شعار زندگی خود سازد.

امادرمتن نامه سرانجام آئین یارسان چهاررکن یادشده چنانکه آنرا در دو بیت خلاصه می کند و می گوید: «یاری چوارچشتن باوری و جاپاکی و راستی و نیستی وردا» یعنی: آئین یارسان چهارچیز است و آنرا بجای بیاورید، پاکی و راستی و نیستی و بردباری.^{۴۹}

سلطان اسحاق، یاران و پیروان خود را به پانزده دسته تقسیم کرده است و برای هر یک وظیفه ای معین و سمتی مشخص تعیین داشته است. نام این دسته ها و فرقه ها که بنا به نامه سرانجام در عالم ذرات آفریده شده اند،^{۵۰} بدین ترتیب اند: (فرشتگان چهارگانه) (هفت-تن) (هفتوانه) (یاران قولطاس) (هفتاد و دوپیر) (هفت خلیفه) (هفت خادم) (هفت هفتوان) (چهل چهل تنان) (نود و نه تن) (شصت و شش غلام کمرزرین) (هزار و یک بنده خواجه مانند) (بیور هزار بنده) (بیوند بنده یا بنده های بی شمار) که شرح هر یک از این دسته ها نیاز به مقاله جداگانه ای دارد.

مهمترین کتابهائی که بوسیله سلطان اسحاق و یارانش نوشته شده کتاب «سرانجام» است، سرانجام دارای شش جزء یا شش بخش بنامهای (دوره هفتوانه) (بارگه بارگه) (گلیم و کول) (دوره چهلستن) (دوره عابدین) (خرده سرانجام) است. علاوه بر این

۴۹- نسخه خطی سرانجام گلزاری

۵۰- بنا بنامه سرانجام خطی سلطان اسحاق در (عالم در) در میان دری در میان دریا بوده، برای پی ریزی کردن مقدمات ظهور و تجلی، از میان در و دریا بیرون آمده، با قدرت کامله خود دو گروه خاص هفت نفری و چهل نفری بنامهای هفتن و چهل تن آفریده، سپس در زیر آفتاب عالم تاب جمعی تشکیل داده، پس از بیجا آوردن آداب و رسوم جمع و قربانی کردن که از غیب آمده، از آن دو گروه به مقام خداوندگاری خود اقرار می گیرد و به آنان وعده ظهور و تجلی می دهد و از آنان پیمان می گیرد که پس از ظهور در عالم بشریت، به او ایمان بیاورند. آنان نیز پیمان می بندند و سپس گروههای دیگر را می آفرینند تا در عالم بشریت آنان بظهور برسند.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی